

جایگاه مردم سالاری دینی در مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

فاضل شادمانی^۱

ارسلان قربانی شیخ‌نشین*^۲

محمدباقر خرمشاد^۳

سوسن صفاوردی^۴

چکیده

هدف: کشورها به منظور اثبات حقانیت و صلاحیت حاکمیتی خود و نیز تأیید تصمیمات و اقدامات حکومتی خویش به عرصه‌ای نو از قدرت وارد شده‌اند که به‌عنوان قدرت نرم تعریف می‌شود. با این توصیف، نظام جمهوری اسلامی ایران از یک تکیه‌گاه اصولی به‌نام مردم سالاری دینی در عرصه قدرت نرم به‌مثابه بدیل و رقیبی برای لیبرال دموکراسی غرب بهره‌مند است. این پدیده‌ی نوظهور می‌تواند در شرایطی که منطقه در دوره‌گذار و به دنبال آن واگذاری حق تعیین سرنوشت به‌دست خود مردم است، به‌عنوان الگویی کارآمد برای کشورها واقع شود. براین اساس هدف از این پژوهش، تبیین نقش مؤلفه مردم سالاری دینی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید نظام بین‌الملل است.

روش‌شناسی پژوهش: داده‌های این پژوهش، از طریق روش کتابخانه‌ای و با رویکرد بررسی دگرگونی در مؤلفه‌های جدید قدرت بر مبنای چارچوب نظری «قدرت نرم» جمع‌آوری شده است. از نظر تجزیه و تحلیل، این پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، حاکی از روند سیال در بازتعریف منابع کسب، حفظ و تقویت قدرت کشورها در عرصه کنونی است که در این میان جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مردم سالاری دینی به‌مثابه یک الگوی نوین فرهنگی-سیاسی می‌تواند موقعیت خود را در عرصه بین‌الملل تثبیت سازد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصله نشان‌دهنده نقش بازتولید و پویاسازی ساختار سیاسی کشور مبتنی بر مردم سالاری دینی در تقویت قدرت و مشروعیت سیاسی در داخل و خارج و نیز مصونیت و موفقیت نظام در مواجهه با سناریوهای احتمالی آینده در جنگ نرم تحمیلی از سوی غرب است.

کلیدواژه‌ها: مردم سالاری دینی، جمهوری اسلامی، مشروعیت، قدرت نرم، دموکراسی.

Email: fa.sh94@yahoo.com ac.ir

۱- دانشجوی دکترای گروه علوم سیاسی-اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: arsalangh@yahoo.com

۲- استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Mb.khorramshad@gmail.com

۳- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: safaverdi.so@gmail.com

۴- استادیار گروه علوم سیاسی-اندیشه‌های سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

مقدمه

در یک نگاه کلی و جمع‌بندی کلان می‌توان ۳ حوزه را برای عرصه قدرت آفرینی و نمایش اقتدار در نظر گرفت. حوزه فیزیکی، حوزه اطلاعاتی و حوزه شناختی. در حوزه فیزیکی، قدرت به صورت عینی و ملموس ظهور می‌یابد. در حوزه اطلاعاتی، قدرت، ردیابی و مشاهده می‌گردد و سرانجام در حوزه شناختی مقابله یا مفاهمه (درک قدرت و نحوه تعامل با آن) پدید می‌آید. حال هر اندازه که از حوزه فیزیکی به طرف حوزه شناختی حرکت کنیم، ابعاد و جوانب هنجاری و ارزشی قدرت نمایان‌تر می‌شود. تردیدی نیست که جهان در مرحله خاص و جدیدی از واقعیت خود قرار گرفته است. مرحله‌ای که مقام معظم رهبری از آن به اصطلاح «پیچ تاریخی» تعبیر کرده‌اند. تأکید ایشان در این شرایط، همانا شناسایی ظرفیت‌های بالقوه کشور و بکارگیری آن تا سرحد امکان است. بی‌شک، کشف منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و تمرکز بر آن از اهمیت ویژه‌های برخوردار است. هر کشوری برای ایفای نقش و اثرگذاری در عرصه بین‌الملل می‌بایست امکان استخراج و تولید قدرت در داخل، متناسب با مقدرات درونی خویش را پیدا کند تا در مواجهه با محذورات بین‌المللی با استفاده از عناصر قدرت‌ساز خود، توان تاب‌آوری داشته باشد. پرواضح است که در این میان باید منابع قدرت را شناخت. دگرگونی‌ها و تغییراتی که امروزه در عرصه بین‌الملل رخ داده است (از قبیل تمرکز بر قدرت اطلاعاتی، رسانه‌ای و فرهنگی) موجب گشته تا کشورها و بازیگران از مؤلفه‌های سخت‌افزاری یا فیزیکی قدرت به سمت مؤلفه‌های قدرت نرم یا شناختی گرایش پیدا کنند. بر این مبنا می‌توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل بهره‌مندی از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی که همانا مستظهر به عناصر قوی تمدنی ایران و ارزش‌های غنی فرهنگی اسلام است، توانایی و استعداد استفاده از قدرت نرم را دارا می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مردم‌سالاری مبتنی بر ولایت فقیه است. شکل‌گیری نظام سیاسی جدید و عینیت یافتن جمهوری حاصل از آن با حفظ هویت اسلامی خویش، اساسی‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی است که حتی فراتر از مرزها، لیبرال دموکراسی غرب را به هم‌آوردی و چالش فراخواند. در این گونه نوین از نظام سیاسی، هیچ کس جز خداوند حق حاکمیت بر دیگری ندارد (انعام/۱۵) و تنها با اذن پروردگار، حاکمیت الهی در معصومین (ع) تجلی و تسری می‌یابد. در زمان غیبت امام معصوم (ع) نیز فقط فقیه عادل از این حق برخوردار است (جوادی آملی، ۲۰۰۳: ۱۳۷).

در این دستاورد، رویکرد فرهنگی به جامعه برجسته می‌شود و تعریف جدیدی از فرهنگ سیاسی ارائه می‌گردد که بر مبنای آن رابطه تابعیتی صرف به مناسبات مشارکت‌جویانه و تأثیرگذارانه مردم در حاکمیت تغییر می‌یابد. از همین رهگذر، پدیده مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از منابع و ارکان مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، اهمیت و شأن تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند. حال در این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی و کتابخانه‌ای ضمن بررسی تعاریف و عناصر قدرت نرم و نیز تبیین راه‌های تقویت و اثرگذاری آن در افکار عمومی سایر کشورها، کارآمدی مردم‌سالاری دینی تاکنون و نیز کارایی آن در راستای تأمین منافع ملی در آینده را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

امروزه در جهان، مفهوم قدرت، دچار تحولات عمیقی شده است که می‌توان آن را بر اساس پارادایم تبیین و تحلیل نمود. پیرامون موضوع پارادایم و انقلاب‌های علمی، کوهن معتقد است تا هنگامی که نظریه‌های مطرح از اجماع برخوردار است نمی‌توان از بحران پارادایم سخن گفت. اما آنگاه که این اجماع تضعیف یا نابود شود بحران پارادایمی ظهور می‌کند. در نتیجه اجماع ایجاد شده حول نظریه‌های جدید موجب روی کارآمدن پارادایم نوینی می‌گردد (چالمرز، ۱۹۹۸: ۱۳۳). در این شرایط نظریات دیگری نیز در کنار یک پارادایم غالب خودنمایی می‌کنند که احتمال جانشینی آنها می‌رود. از نظر کوهن پارادایم‌های علمی معمولی، به‌طور مطلق باز یا بسته نیستند. در هر پارادایم، عناصری یافت می‌شود که هر پژوهشی به آنها وابسته است. زمانی که از قدرت سخن می‌رانیم می‌توانیم دو نوع پارادایم را در نظر بگیریم. این دو پارادایم در کنار یکدیگر تاکنون به حیات خود ادامه داده‌اند و البته امکان تفوق یکی بر دیگری با گذر زمان وجود دارد. در قالب پارادایم قدرت سخت، حوزه فیزیک و مادی‌گرایی برجسته می‌شود. در چارچوب این نگرش، یک کشور با اتکاء به نیروی نظامی آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از این‌رو توان نظامی آن از اهمیت اساسی برخوردار است. از این زاویه به رغم این که سایر حوزه‌های قدرت نیز به چشم می‌خورند اما چندان مورد توجه و تمرکز واقع نمی‌شوند. بنابراین در بحث از مؤلفه‌های سخت همچون مرزهای سرزمینی، امنیت نقطه کانونی را به خود اختصاص می‌دهد. در پارادایم فوق بازیگران دولتی نقش محوری را داشته و برای دفاع از دولت و در رویارویی با دولت‌های دیگر به قدرت فیزیکی توسل جسته می‌شود (طبیعی است که در این نگاه، سایر بازیگران از قبیل خرده گروه‌ها، محلی از اعراب و اثرگذاری ندارند). خصوصیت دیگر پارادایم قدرت سخت همانا «تأکید بر مادی‌گرایی» است. توانایی‌های مادی یک کشور به‌عنوان معیار و میزان سنجش قدرت آن کشور در نظر گرفته می‌شود. شاخصه‌ای که برای ایجاد امنیت و به دنبال آن عامل مشروعیت ساز قلمداد می‌شود (روزنا، ۲۰۰۷: ۱۲۵).

در پارادایم قدرت نرم و شناختی که از سوی نظریه پردازانی چون «جوزف نای» عرضه شده است از اجماع حول موضوعات دیگری سخن به میان می‌آید. در نگرش جدید بر مؤلفه‌های شناختی و معنایی قدرت یا همان قدرت نرم تأکید و از اهمیت نیروهای نظامی کاسته می‌شود. طبیعی است که این تغییر خود به خود موجب دگرگونی در عناصر قدرت‌ساز می‌شود. نقطه کانونی قدرت، معطوف به مردم و نخبگان جامعه است و نقش دولت به‌عنوان تنها بازیگر کمرنگ می‌شود. در قالب پارادایم نوین، توجهات و تمایلات از مادی‌گرایی به طرف معنویت‌گرایی و کیفی محوری حرکت می‌کند. از همین رو گفته می‌شود در پارادایم قدرت نرم بر اذهان تمرکز می‌گردد. «مانوئل کاستلز» از این پدیده به اصطلاح «قدرت جریان‌ها» تعبیر می‌کند (کاستلز، ۲۰۱۱: ۲۸). در چارچوب این دیدگاه مبنای مشروعیت را رفع نیازها و تأمین مطالبات شهروندان شکل می‌دهد و صرف برقراری امنیت به تنهایی برای مشروعیت بخشی کفایت نمی‌کند. با این وصف، نظام مردم سالاری دینی به‌منزله هسته مرکزی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و به‌مثابه پرتو و بازتابی از رخداد انقلاب اسلامی ایران در قامت بدیل و رقیبی برای لیبرال دموکراسی غرب ایفای نقش می‌کند. عنصری که

در اثر آن به مقتضای فضای جدید بیداری اسلامی می‌تواند بسیاری از کشورهای دارای ارزش‌های مشترک با کشورمان را از بن‌بست و بحران نجات دهد و به معنای واقعی کلمه، مشروعیت اصیل و پایدار را برای آنان به ارمغان آورد. موضوع فوق در پژوهش‌های موجود از زوایای گوناگونی مورد کنکاش قرار گرفته است. این پژوهش‌ها گاهی بر عناصر و عوامل ایجاد و تقویت قدرت نرم تمرکز دارد و گاهی با تأکید بر ماهیت و پیامد جنگ نرم غرب در سناریوهای احتمالی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران به نوع مواجهه کشور و راهکارهای خنثی‌سازی آن با در نظر گرفتن توان و ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی موجود می‌پردازد.

۱- تعریف و مؤلفه‌های قدرت نرم: عرصه تعریف مفاهیم سیاسی در خاتمه جنگ سرد، دچار تحولات و دگرگونی‌های عمیقی شد. واژه‌هایی چون امنیت، تهدید، جنگ و قدرت از آن جمله‌اند. شاید بتوان اساسی‌ترین تغییر را در مفهوم «قدرت» جستجو کرد که از عرصه سخت‌افزاری مبتنی بر مؤلفه نظامی به عرصه نرم‌افزاری متکی بر مؤلفه‌های نوین از قبیل رسانه‌ها، فرهنگ، اقتصاد، ایدئولوژی و حتی نظام سیاسی منتقل شد. در دوره گذار تحولات مفهومی قدرت از سخت به نرم، جذب افکار عمومی و تأثیرات فرهنگی و عناصر نامحسوس از جایگاه برجسته و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. یکی از ابزارهای قدرت نرم، رسانه‌ها هستند که توانایی ارسال و انتقال فرهنگ جوامع مبدأ را به دیگر مناطق جهان دارند. در این فضا، تصمیمات و اعمال سرکوب‌گرایانه دولت‌های اقتدارگرا در سرزمین خود، با تلقین فرهنگ‌ها و تبلیغ مفاهیمی همچون دموکراسی تکمیل می‌شود. نتیجه این روند، همانا بروز شورش و تقابل دولت ملت در کشورهای هدف و نهایتاً توجیه حقانیت سرکوب حتی بدون شلیک یک گلوله است (سیف‌زاده، ۲۰۱۰: ۲۴۱). برای قدرت می‌توان تعاریف مختلفی در نظر گرفت. در یک تعریف کلی قدرت «توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب» است. رابرت دال، قدرت را رابطه بین بازیگرانی می‌داند که در آن یک بازیگر، دیگران را به عملی وادار می‌سازد که در غیر این صورت آن را انجام نمی‌داد (راسل، ۱۹۸۸: ۸۶). در اکثر تعاریف مربوط به قدرت، توانایی تحمیل اراده شایان توجه است. از دوره کهن بحث قدرت نرم مدنظر بوده است. کنفوسیوس دارای قدیمی‌ترین مدرک پیرامون این مفهوم است که بر اساس آن دندان را قدرت سخت و زبان را قدرت نرم قلمداد می‌کند. جایگاه قدرت نرم با ظهور و گسترش سریع ادیان در دنیا پررنگ شد. استعمارگران با گسیل مبلغان و گروه‌های تبشیری به نوعی درصدد بهره‌برداری از قدرت نرم برآمدند. در حجاز نیز اسلام اساساً با قدرت نرم گسترش یافت و تبلیغ، نخستین ابزار و عرصه آن در این مکتب بود. با پیدایش اندیشه‌های مادی‌گرایانه در غرب، «قدرت سخت» به‌عنوان معیار و مظهر قدرتمندی جلوه گر شد. «فوکو» نوعی اجبار غیرمستقیم را در قدرت نرم نهفته می‌داند که در اکثر موارد، قدرت سخت، امکان انجام آن را ندارد (هیندس، ۲۰۰۱: ۱۱۵).

یکی از راه‌ها و ابزارهای یک کشور به منظور نیل به اهداف و مقاصدش، ایجاد جذابیت و نمایش آن برای سایر ملت‌ها و فرهنگ‌هاست. گفته می‌شود که جذابیت، دارای بیشترین اثرگذاری و مظهر توان و ظرفیت قدرت نرم یک کشور است. ایده‌های سیاسی و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه می‌تواند منشأ و سرچشمه جذابیت باشد. «تای» سه نوع جذابیت شامل فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های کشور را

برمی‌شمرد که قادر است بر فرهنگ، سیاست و الگوهای اجتماعی ملت‌های دیگر تأثیر گذاشته و به‌طور غیرمستقیم اراده خود را بر آنها تحمیل سازد (نای، ۲۰۰۸: ۵۲).

تأثیرگذاری برافکار عمومی مفهوم اولیه قدرت نرم است. جوزف نای برای اولین بار مفهوم قدرت نرم را طرح کرد. از نظر وی برای رسیدن به موفقیت در سیاست جهانی باید از قدرت نرم استفاده نمود. نای توصیه می‌کند که آمریکا بعد سوم قدرت خود یعنی «قدرت نرم» را تقویت کند (نای، ۵۵). این تعریف نای به‌گونه‌ای دیگر از سوی «گلین» ارائه شده است: «قدرت نرم همانا تأثیر گذاشتن در ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌های کشورهای مورد هدف با استفاده از جاذبه الهام بخش است» (دیسسی، ۲۰۰۷: ۱۲۷).

در دیدگاه نای، قدرت نرم به سه نوع تقسیم می‌شود:

- قدرت سخت: استفاده از زور به منظور تحمیل اراده خویش بر دیگران.

- قدرت نیمه‌سخت: استفاده دولت از ابزارهای اقتصادی مانند: تحریم، محاصره و انعقاد قرارداد.

- قدرت نرم: بهره‌گیری از جذابیت و قابلیت شکل دادن به علایق و تمایلات دیگران (نای، ۲۰۱۰: ۴۰).

مفاهیم نهفته در قدرت نرم عبارت است از: نفوذ غیرمستقیم آن و تأکید و تمرکز بر روش‌ها و ابزارهای فرهنگی و ایدئولوژیک، نیل به اهداف و مقاصد مطلوب بدون تحمیل هزینه قابل اعتنا، تولید و نمایش جذابیت برای متقاعد کردن و همراه ساختن دیگران، شکل‌دهی و مهندسی ترجیحات و اولویت‌های دیگران و نیز ایجاد مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور.

با این وصف پرواضح است که حکومت‌های اقتدارگرا و سرکوب‌گر نمی‌توانند از قدرت نرم برای مخاطبان بیرونی و بازیگران دیگر استفاده کنند. چرا که این کشورها بیشتر خود آماج این قدرت هستند. شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در دوره اخیر به‌عنوان ابزاری برای اعمال این قدرت به‌کار می‌روند که بیانگر نوعی خاص از ویژگی قدرت نرم است. در این عرصه به جای تمرکز و توجه به دولت یک کشور، ملت‌ها و فرهنگ آنان مورد خطاب قرار می‌گیرند. در قدرت نرم، مفهوم امنیت نیز به‌گونه‌ای دیگر تفسیر و تبیین می‌شود. در این رهیافت مراد از امنیت، در بردارنده امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی و به‌طور کلی فرهنگ می‌باشد (نائینی، ۲۰۱۲: ۷۵).

در یک نگرش کلان می‌توان سه سطح را برای قدرت نرم ترسیم و تصور نمود:

۱- سطح راهبردی: فرهنگ و اندیشه راهبردی یک کشور در این سطح از قدرت به‌صورت تعیین‌کننده‌ای

تأثیرگذار است. رهبران و نخبگان جامعه به‌عنوان بالاترین شاخص‌های قدرت نرم نقش اساسی دارند. اراده‌های سیاسی و راهبردها در محیط بین‌الملل، شاکله این سطح را تشکیل می‌دهند. ارتقاء توانایی هنجارسازی و تضعیف قدرت نرم حریف، هدف اصلی به‌شمار می‌رود. هنجارها اصولاً در حوزه فرهنگ مد نظر قرار می‌گیرند. از همین‌رو نگاه و تمرکز قدرت نرم نیز بر این حوزه است.

۲- سطح میانی: قدرت ملی یک کشور از یک عنصر مؤثر به نام مردم برخوردار است. در این سطح، فرهنگ ملی و عمومی جامعه بر قدرت نرم اثرگذار است. می‌توان سطح مردمی قدرت نرم را پشتیبان سطح راهبردی و مشروعیت بخش به تصمیمات و اقدامات رهبران تلقی کرد. این سطح از قدرت نرم بر میزان اعتماد به نفس ملی یک جامعه و نیز انسجام و عزم همگانی آنها تأثیر می‌گذارد. هر کشوری که از شاخص‌های سطح میانی قدرت نرم بهره‌مند باشد می‌تواند خود را در برابر بحران‌های پنج‌گانه سیاسی مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و هویت مصون سازد.

۳- سطح تاکتیکی قدرت نرم که ناشی از فرهنگ دفاعی و نازل‌ترین سطح از این گونه قدرت برای هر کشوری است. تقابل اراده و روحیه رزمی، حماسی و جنگی رزمندگان و نظامیان دو یا چند کشور در میدان نبرد، شاکله قدرت نرم را در این سطح نمایان می‌کند (نائینی، ۲۰۱۲: ۸۱).

چنان‌که مشهود است عنصر فرهنگی جامعه در هر سه سطح از قدرت نرم مورد تمرکز و تأکید است. چرا که دگرگونی‌های فرهنگی به تدریج و غیرمحسوس به وقوع می‌پیوندد. جوزف نای، عوامل و مؤلفه‌های دخیل در جذب دیگران از طریق فرهنگ را برای نیل به اهداف در قدرت نرم چنین بر می‌شمارد: قابلیت جذب عناصر سایر فرهنگ‌ها را با انعطاف مناسب و به هنگام داشته باشد. متناسب با نیازهای افراد جامعه بتواند از خود رشد و پویایی نشان دهد. از ارزش‌های پایدار همانند زیبا دوستی و دانش محوری بهره‌مند باشد و قدرت فرهنگی خود را از رهگذر سرایت و اشاعه بروز دهد. از ابزار رسانه و هنرهای چون فیلم، سینما، کتاب، روزنامه و... برای تبلیغ تولیدات فرهنگی و جاذبه‌های آن استفاده کند. نهایتاً این‌که از ارزش‌های عام جهانی با مقبولیت لازم برخوردار باشد (نای، ۲۰۱۱: ۲۵).

قدرت نرم در دیپلماسی عمومی برای دستیابی به اهداف سیاسی، بر عموم مردم در کشورهای خارجی متمرکز می‌شود تا بتواند در دیدگاه‌های افراد و سازمان‌های فراملی نفوذ کند. هدف از اعمال دیپلماسی عمومی همانا دگرگون ساختن سیاست‌ها و ترجیحات اجتماعی و سیاسی افراد و افکار عمومی در جوامع دیگر است. بدیهی است که نیل به مقصود و مطلوب در این روند مستلزم شناخت مخاطب و آگاهی از علایق، خواسته‌ها و نیازهای اوست. در این زمینه عنصر تبلیغات کاملاً تعیین‌کننده و مؤثر است. از آنجا که در دیپلماسی عمومی، مردم مورد خطاب و هدف قرار می‌گیرند می‌توان گفت که فرهنگ بیشترین اثرپذیری را از آن خواهد داشت. از نظر نای، قدرت نرم در عرصه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به علت اعمال سیاست‌های یک جانبه‌گرایانه و گرایش به سلطه‌طلبی سیاستمداران و زمامداران این کشور در دوره جمهوری خواهان، تضعیف شده است (نای، ۲۰۱۰: ۵۱).

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران اصالتاً انقلابی فرهنگی محور و با هدف دگرگونی در نوع نگرش و تفکر افراد و جوامع شکل گرفته است نظام جمهوری اسلامی حاصل از آن نیز از دو عنصر فرهنگ و دیپلماسی قدرت نرم بهره‌مند می‌باشد. با تکیه بر این ظرفیت، امکان مخاطب قراردادن همه انسان‌ها برای جمهوری اسلامی ایران فراهم است. چرا که آموزه‌ها و ارزش‌هایی که از سوی انقلاب اسلامی تبلیغ و ترویج می‌شود مطابق با فطرت بشری است. بنابر آنچه که گذشت یکی از محورهای تبلیغاتی همه کشورها در دنیا، عرضه

نظام سیاسی خود به دیگر بازیگران محیط بین‌الملل می‌باشد. از همین‌رو مردم سالاری دینی به‌مثابه یک منبع اساسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: عناصر و مؤلفه‌ها

اجزای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید را باید در ریشه‌های فرهنگی و ارزش‌های دینی انقلاب اسلامی جستجو نمود. مفاهیمی از قبیل «عدالت و شهادت» و نیز فرهنگ مبتنی بر آموزه‌های دینی و مذهبی از مؤلفه‌های مهم قدرت نرم کشورمان محسوب می‌شود. معمار و پایه‌گذار نظام، حضرت امام خمینی(ره) شهادت را بر مبنای مکتب اسلام به‌عنوان پیروزی عظیم و سرانجام نیک قلمداد کرده و فرموده است: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۲۸). یکی از نظریه پردازان معاصر لیبرال دموکراسی از دو ارزش شهادت و عدالت به‌مثابه دو بال تعبیر می‌کند و همین دو را موجب پویایی و مانع زوال این مکتب بر می‌شمرد. اکثر نظام‌های سیاسی در جهان، دست‌یابی به وضع عادلانه و استقرار عدالت را به‌عنوان یک هدف اساسی دنبال می‌کنند. تاریخ ایران به‌ویژه در دوران بعد از ورود اسلام به این سرزمین، بستر و زمینه‌ای برای رشد و نزع این دو ارزش بوده است. بعد از برپایی نظام جمهوری اسلامی نیز همین دو اصل بنیادی یعنی تأکید بر اجرای عدالت و منع تبعیض توانست این نظام نوظهور را از سایر نظام‌های سیاسی غربی متمایز و متفاوت جلوه دهد. «نوزیک» در جایگاه یک لیبرال و آزادی‌خواه افراطی، نابرابری را در شرایط طبیعی مفروض گرفته و برقراری امنیت را تنها وظیفه دولت می‌داند. مارکسیست‌ها اجرای عدالت را با حذف مالکیت خصوصی تعقیب می‌کنند. نتیجه هر دو نظر، تعمیق شکاف اجتماعی و برابری در فقر با استفاده از زور و اجبار است. شهادت طلبی به‌عنوان یک ارزش فرهنگی برخوردار از ریشه‌های مذهبی از جریان قیام امام حسین(ع) علیه ظلم و جور سرچشمه می‌گیرد. این مهم خود یکی از عوامل برتری بخش ایران در هشت سال دفاع مقدس بود (ایزدی، ۱۹۹۹: ۲۲).

چنانچه کشورهای دیگر از یک نظام سیاسی تلقی فرهنگی حاصل کنند در قالب یک فرهنگ از آن الهام گرفته و تحت تأثیر قرار می‌گیرند. پوشیده نیست که فرهنگ سیاسی بیشتر کشورهای خاورمیانه، تبعی است. از همین‌رو مردم سالاری دینی، ظرفیت و امکان تبدیل شدن به یک الگوی مناسب برای این جوامع را دارد. «بیگانه ستیزی» یکی دیگر از عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. اغلب کشورهای همسایه از این ارزش محروم بوده و همواره تحت سلطه و سایه قدرت‌های فرامنطقه‌ای مجبور به خرید امنیت خود هستند. حوادث زیادی در تاریخ ایران به‌خصوص از عصر قاجار به بعد رخ داده است که به وضوح حاکی از اهمیت این مؤلفه در حافظه و ذهن ایرانی است. شاخص‌هایی از قبیل انقلاب مشروطه، مبارزه با استبداد، نهضت ملی کردن نفت، مخالفت با کاپیتولاسیون، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی همگی بیانگر اهمیت استقلال و آزادی در این مرز و بوم است. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصل «نه شرقی نه غربی» از این ارزش نشأت گرفته است (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۱۱: ۲۴۵).

مکتب شیعه در سراسر تاریخ اسلام به‌عنوان تنها مذهب مبارز در مسیر دو آرمان عدالت و شهادت طلبی درخشیده است. در مقابل، پذیرش اقتدارگرایی و زور در تفکر اهل سنت، مورد حمایت و تشویق بوده است. نشانه‌ها و شواهد این مدعا (تن دادن به استبداد) را می‌توان در پذیرش نظریه استیلا و لزوم تبعیت از حکم امام با شمشیر جستجو نمود.

اساسی‌ترین عنصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران همانا مردم سالاری دینی است. این عنصر به سان الگویی نوین از نظام سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پدیدار شد. رویکرد فرهنگی مردم سالاری دینی به جامعه آشکارا به چشم می‌خورد. اما از بدو پیدایش تاکنون از سوی بنگاه‌های خبرپراکنی غرب، تصویری واژگون و دیکتاتورمآبانه از آن در جهان نمایش داده شده است. در حالی که به‌گواه واقعیت‌های غیرقابل انکار، هر دو سال یک انتخابات در جمهوری اسلامی ایران برگزار گردیده و درصد مشارکت سیاسی در آن نیز نسبت به بسیاری از کشورهای لیبرال غرب افزون‌تر بوده است. این حقیقت مسلم، خود گویای وجود فرهنگ سیاسی مشارکت‌جو در کشور است. در بخش‌های بعد به پایه‌ها و مبانی مردم سالاری دینی و نیز کارایی آن در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان منبع کلیدی قدرت نرم خواهیم پرداخت.

مردم سالاری دینی: ویژگی‌ها و نمودها

مردم در انقلاب اسلامی ایران نقش نیروی محرکه و عامل اصلی در پیش‌برندگی نهضت بودند. تنها عنصر مشترک و وحدت‌آفرین نیز در میان نیروهای انقلاب، مذهب بود. طبیعی است که بعد از پیروزی انقلاب هم مهم‌ترین اثرگذاری و تعیین‌کنندگی را می‌بایست همین عنصر در ساختار سیاسی ایفا کند. بر اساس مردم سالاری دینی حاکمیت از آن خداست و از آنجا که خالق متعال به نیازها و نواقص انسان آگاهی دارد هم اوست که برای تأمین و جبران آنها نیز قوانین و شریعت خاصی مقرر کرده است. مطابق این دیدگاه اراده و خواست مردم صرفاً در قالب احکام دینی قابل قبول است. از آن جهت که مردم، اسلام را پذیرفته‌اند طبعاً خواهان پیاده شدن دستورات الهی هستند. حتی مشارکت‌شان در حکومت نیز بر مبنای شریعت محقق می‌شود. با این فرض قطعاً فراتر از چارچوب دینی نیز درخواستی نخواهند داشت. با وجود آن که مبنای قبول رأی و نظر شهروندان در مردم سالاری دینی، تمایل عمومی و مطالبه عمومی آنهاست ولی در عین حال فضایل و ارزش‌های اخلاقی نادیده گرفته نمی‌شود. در واقع می‌توان به نوعی برای ارزش‌ها نقش محوری قائل شد. تا جایی که به بهانه مردم‌داری، حکومت اسلامی نیز نمی‌تواند نسبت به ارزش‌های دینی مدارا و کوتاهی نماید. این مهم در بیان مقام معظم رهبری چنین تصریح شده است: «روش‌های کسب قدرت و حفظ آن باید از طریق روش‌های اخلاقی باشد. در اسلام به هر قیمتی نمی‌توان کسب قدرت کرد. روش‌ها خیلی مهم‌اند» (سایت بیانات رهبر معظم انقلاب)

نمونه‌های موجود در دوران حکومت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) حاکی از این است که ریشه‌های مردم سالاری دینی فراتر از انقلاب اسلامی است. سیره رسول اعظم (ص) خود بیانگر جایگاه مردم در دین می‌باشد. هیچ‌گونه اجباری از سوی آن حضرت برای اسلام آوردن مردم به‌کار گرفته نشد.

تعدادی از آیات شریفه قرآن کریم نیز بر این واقعیت مسجل، گواهی می‌دهد. چنان که می‌فرماید: «و اگر رویگردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان قرار نداده‌ایم. وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است» (شوری/ ۴۸). تکلیف پیامبر(ص) صرفاً ابلاغ و تبلیغ شریعت و هدایت است و قبول یا نكول آن بر عهده خود مردم است. البته این‌گونه نیست که هر آنچه مردم انتخاب کردند حق باشد یا حق شود، بلکه بعد از ارائه حق، آنها یا می‌پذیرند و به آن متعهد می‌شوند یا از آن روی بر می‌گردانند. اما این موضوع مربوط به مقام نبوت پیامبر(ص) می‌باشد. جنبه دیگر، جایگاه مردم در حکومت ایشان است که با هجرت به یثرب آغاز شد. مردم در برپایی امامت و ولایت آن حضرت دو تأثیر مهم داشتند: نخست، مسئولیت و پذیرش مردم (جوادی آملی، ۲۰۰۸: ۱۴۵). مردم با پذیرش مشتاقانه برنامه‌ها و دستورات دینی مؤثرترین نقش خود را در تحقق ولایت پیامبر(ص) ایفا کردند. بی‌تردید نمی‌توان این واقعه را یک رابطه قراردادی تلقی کرد. چرا که تا احساس تعلق و گرایش قلبی به اصول به‌وجود نمی‌آمد، وابستگی و وفاداری به حکومت نبی(ص) نیز پیدا نمی‌شد. دوم، مردم در این نظام به معنای واقعی کلمه مشارکت عملی و حضور ملموس داشتند. در این حکومت، پذیرش انفعالی و تعلق اجباری جایی نداشت. نشان بارز آن نیز همانا همراهی و همدلی مردم در جنگ با دشمنان به منظور حفظ ارزش‌های الهی و تلاش برای کسب قدرت و اقتدار در جهت اجرای این ارزش‌ها به‌صورت آشکار بود. غیرمسلمانان هم در حکومت اسلامی پیامبر(ص) در ازای برقراری امنیت آنان نقش پررنگ داشتند. قانون اساسی مدینه شامل ۴۷ ماده بود که دو اصل «برابری و وحدت» در آن گویای عمومی بودن قانون می‌باشد (فیرحی، ۲۰۱۲: ۱۲۶).

پیامبر اکرم(ص) در روند تبلیغ آیین اسلام برای تحقق جامعه اسلامی همواره ارکان و الزاماتی را مدنظر داشت. ایمان آزادانه، پذیرش آگاهانه، انتخاب شریعت، استقامت بر اعتقاد و نیز مشارکت و حمایت از اقتدار را می‌توان پاره‌ای از خصوصیات جامعه مردمی مدینه النبوی(ص) برشمرد. مردم همان‌گونه که در تأسیس نظام اسلامی همراه پیامبر(ص) بودند در استمرار حرکت و دفاع کیان حکومت اسلامی نیز وفادارانه به‌عنوان یک رکن باقی ماندند. با این وصف جمع خدا و مردم در حکومت، ممتنع و محال نیست. چرا که خدمت به مردم در چنین جامعه‌ای صرفاً برای اجرای قوانین و دستورات الهی در قالب یک هدف مقدس است. از همین‌رو مردم مهم‌ترین جایگاه و نقش را بر عهده داشتند (حاجی صادقی: ۱۲). مردم سالاری دینی ناظر به الگویی از حکومت است که با برخورداری همزمان از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در چارچوب شریعت و حیانی بنا شده است. در این جامعه، حق مداری، خدمت محوری و ایجاد زمینه برای رشد و تعالی مادی و معنوی میانی اصلی کارکرد حکومت و ارتباط آن با مردم را شکل می‌دهد (درویش، ۲۰۰۳: ۵). امام علی(ع) در گفتار و کردار خود ضمن توجه دادن مخاطبان به مردم سالاری، شرط تحقق حکومت صالح را خواست و حمایت اکثریت مردم یک جامعه می‌داند. چنان که می‌فرماید: «به جانم قسم، اگر امامت به جز با حضور همه مردم برپا نشود پس چنین امری امکان‌پذیر نیست. بلکه آن مردمی که حضور یافته‌اند از طرف غایبین نیز تصمیم‌گیری می‌کنند و کسی که حاضر بوده است حق عدول از تصمیم خود را ندارد و آن کسی هم که غایب بوده حق آن را از خودش سلب نموده است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۲). بعد از قتل خلیفه سوم، تأکید

امام علی(ع) بر این معنا اوج می‌گیرد. به دنبال اصرار و فشار مردم برای قبول خلافت از سوی ایشان، آن حضرت از پذیرفتن حکومت امتناع کرد که نهایتاً مشروط به حضور همگان در مسجد و واگذاری خلافت به صورت علنی و رسمی گردید. حتی امام(ع) برای آن که تصور تمایل و رغبت ایشان به حکومت پدید نیاید از مدینه خارج شد (شیخ مفید، ۱۹۹۱: ۱۲۸). جایگاه توده مردم در برابر حاکم و حقوق شایسته آنها همواره در نهج البلاغه مورد سفارش اکید بوده است. به گونه‌ای که از حکمران و امام جامعه به مثابه پاسبان حقوق آنها تعبیر شده است. اگر بناست که حکمران و مردم یکی در خدمت دیگری باشد این حکمران است که نسبت به توده محکوم است و نه بالعکس (مطهری، ۲۰۰۸: ۱۴۲). چنین شواهد تاریخی به روشنی ریشه‌دار بودن موضوع مردم سالاری دینی را نشان می‌دهد. در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی به منزله چارچوب نظام است که در متن و بطن آن به مردم سالاری توجه و تکیه شده و آشکارا حقوق سیاسی شهروندان همچون مشارکت و نظارت همگانی را به عنوان حقوق مردم بر شمرده است. در قانون اساسی کشورمان صراحتاً به این موضوع اشاره شده است. چنان که در اصل ششم می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از راه همه پرسی» (شعبانی، ۲۰۰۷: ۱۰۳). احزاب و گروه‌هایی سیاسی نیز مشمول این مشارکت سیاسی هستند. در اندیشه امام خمینی(ره) پایه‌گذار جمهوری اسلامی، توجه به مردم سالاری دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از نظر امام(ره) مفهوم مردم سالاری می‌تواند به دو گونه تبیین شود. نخست، دموکراسی مطلوب و مثبت و دیگری دموکراسی نامطلوب، غیر حقیقی و جعلی. ایشان گونه دوم را که در غرب رایج شده است به معنای حقیقی آن دموکراسی نمی‌داند. خصوصیات مردم سالاری مطلوب از دیدگاه امام(ره) عبارت است از:

۱- منافات با دیکتاتوری و استبداد: حضرت امام خمینی(ره) تحقق دموکراسی را در زمان حاکمیت دیکتاتوری ناممکن می‌داند و معتقد است که: «اصل دموکراسی در تضاد با رژیم شاه قرار دارد». و یا این که: «دست از مبارزه بر نمی‌داریم تا حکومت دموکراسی به معنای واقعی آن جایگزین استبداد شود» (صحیفه امام، ج ۲: ۵۰).

۲- ضمانت آزادی و حفاظت از آن: امام خمینی(ره) یکی دیگر از خصوصیات دموکراسی مطلوب را تأمین آزادی افراد و حفظ آن در برابر موانع تحقق آزادی می‌داند. در دیدگاه ایشان بر اساس مدعای راستین «هیچ کس مثل اسلام، آزادی طلب نیست» مردم سالاری مطلوب، واجد دو نوع آزادی موجود می‌باشد: یکی آزادی در مشارکت سیاسی که مصداق بارز آن همانا آزادی مردم در انتخابات به عنوان مبنای مردم سالاری و دیگری آزادی در عقیده و بیان که دموکراسی مطلوب همواره بانی و حافظ آن است. چنان که اشاره دارد: «در اسلام، آزادی مندرج است. مردم در بیان عقاید آزادند». محدوده آزادی مورد نظر امام، انحراف انسان‌ها از مسیر صحیح و همکاری با دشمنان نظام است. به عبارت دیگر در دموکراسی مطلوب ایشان، آزادی عقیده و بیان تا جایی به رسمیت شناخته و ضمانت می‌شود که موجب انحراف اذهان و سوءاستفاده دشمنان نظام نشود» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۶۴).

۳- برخاسته از اسلام و الهام از آن: مردم سالاری مطلوب با دین اسلام ارتباط و پیوستگی عمیق دارد. فقط تحت عنوان اسلام است که دموکراسی واقعی، مندرج و قابل پیاده شدن است. امام خمینی(ره) تنها دموکراسی حقیقی را همانا دموکراسی موجود در اسلام ذکر می‌کند و معتقد است که: «ما دنیا را خواهیم فهماند که معنی دموکراسی چیست» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۳۴). از نظر ایشان یگانه الگوی مناسب برای دموکراسی مطلوب همان نظام حکومتی نبوی و علوی است: «حکومت صدراسلام یک رژیم دموکراسی بوده به گونه‌ای که دموکراسی‌های امروزی نمی‌توانند مانند آن شوند» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۳۹). در بیان دیگری نیز درخصوص برداشت‌ها و تفسیرهای مختلف از قوانین اسلام می‌فرماید: «قوانین اساسی اسلام انعطاف ندارد اما سایر آنها با نظرهای خاصی انعطاف دارد و می‌تواند همه انحاء دموکراسی را تضمین کند» (صحیفه امام، ج ۳: ۱۳). مقصود اساسی و هدف اصلی در دموکراسی مطلوب امام، تلاش برای جلب رضای خداوند و کسب رضایت مردم است. این دموکراسی، مقبول مردم بوده و آنها نیز از جان و دل با آن موافقت. به اشتباه خود اعتراف کرده و از تصمیم‌های نادرست عدول می‌کند. در برابر قانون مطیع بوده و در محدوده آن عمل می‌کند. به آراء و افکار عمومی احترام گذاشته و در مقابل خواسته‌های شرعی و قانونی مردم تسلیم می‌باشد. متکی به آراء ملت هست و بیشترین توجه خود را به قشر ضعیف جامعه معطوف می‌دارد. نسبت به آحاد جامعه فروتن و به مشارکت آنان در مسائل کشور معتقد است. مردم به راحتی می‌توانند با مسئولان حکومت ارتباط برقرار کنند (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶۱ و ج ۱۸: ۲۰۱). جایگاه ویژه مردم سالاری دینی در بیانات و نظرات حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز آشکارا مشهود است. تأکیدات و تصریحات ایشان از زمان امامت جمعه تهران و ریاست جمهوری به وضوح، جنبه‌های عملی و ملموس این مفهوم را بازتاب می‌دهد. چنان‌که اشاره دارد: «مردمی بودن حکومت یعنی نقش دادن مردم در حکومت... مبنای حکومت اسلامی همان خدمت کردن به مردم است. آن چه برای حاکم مطرح است منافع عامه مردم است... اسلام به هر دو معنا دارای حکومت مردمی است» (در مکتب جمعه، ۱۹۹۵: ۷). در موارد دیگری نیز ایشان ضمن تفسیر و تشریح مردم سالاری یادآور می‌شود: «اعتنا کردن به خواسته‌های مردم، درک کردن حرف‌ها و دردهای آنان و میدان دادن به آنها. اجتماع مردم سالاری یعنی تجلی حضور مردم در صحنه‌ها که تصمیم می‌گیرند و انتخاب می‌کنند. اصل تشخیص این که چه نظامی در کشور سرکار بیاید، این را امام به رفراندوم و آراء عمومی گذاشتند. این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی ما ندیدیم و نشنیدیم که انتخاب نوع نظام را به عهده مردم بگذارند. حکومت متعلق است به مردمی که اکثریت عظیم جامعه را تشکیل داده‌اند. حکومت برای عامه و توده آنهاست. کسانی را که رأس کار می‌گذارند، همان‌طور که امام بارها خطاب به مسئولان و مأموران دولتی گفتند: مردم شما را از زندان بیرون آوردند و بر مسند اداره کشور نشانند» (در مکتب جمعه، ۱۹۹۵: ۲۱۴).

از دیدگاه رهبر انقلاب، نقش داشتن مردم در حکومت، پایه مردم‌داری حاکمیت را شکل می‌دهد. از همین رو در تبیین مردم سالاری دینی فقط خدمت صرف به شهروندان مطرح نیست. از آن جهت که مردم سالاری در کشور صیغه دینی و اسلامی نیز دارد پس مطلق نیست. ایشان در بیان دیگری معنای مردم سالاری را

چنین تشریح می‌کند: «در جامعه‌ای که مردم آن به خدا اعتقاد دارند حکومت آن باید بر اساس مکتب باشد. یعنی حکومت اسلام و شریعت اسلامی. احکام و دستورات دینی باید بر زندگی مردم حاکم باشد و برای اجرای آن در جامعه کسی مناسب تر و شایسته تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی فقاقت و عدالت باشد» (سخنرانی، ۲۰۰۰، تفرش). مزیت‌های مردم سالاری دینی را می‌توان چنین برشمرد: نخست، حاکمیت خداوند در چنین نظامی. دوم، وجود شرایط و صلاحیت‌های خاص حاکمان و خدمت‌گزاری برای ملت. فلسفه مسئولیت یافتن مسئولان در اسلام همانا کار برای مردم است. سوم، تکیه نظام بر بینش و آگاهی مردم. چهارم، مشروط شدن مشروعیت نظام به قبول مردم. در مردم سالاری دینی عقیده، ایمان، عواطف و آرای مردم با نظام سیاسی پیوند خورده است.

خصوصیات مردم سالاری دینی عبارت است از:

- ۱- مشارکت عمومی: خداوند بر هستی حاکم است و انسان را نیز نسبت سرنوشت خود دارای انتخاب، اختیار و اراده قرار است. از این رو امور کشور در چنین نظامی بر مبنای آراء عمومی اداره می‌شود. تردیدی نیست که مقدمه و لازمه تحقق مشارکت عمومی نیز رشد سیاسی مردم می‌باشد.
- ۲- قانون محوری: رعایت قوانینی شرعی و عمل به آنها در دین اسلام واجب است. از نظر مقام معظم رهبری نیل به آرمان‌ها و اهداف از طریق قانون و عدالت امکان‌پذیر است. همه آحاد جامعه می‌بایست در برابر قانون و بهره‌برداری از منابع میهن اسلامی دارای امکانات یکسان و عادلانه باشند.
- ۳- شایسته سالاری: در حکومت اسلامی کارگزاران باید عادل‌ترین، آگاه‌ترین و با تدبیرترین افراد باشند. رهبر انقلاب، دو صفت حاکم را همان صلاحیت‌های تعیین شده در اسلام و قبول مردم قلمداد می‌کند.
- ۴- نظارت و مشورت: حضور در صحنه سیاست و نظارت بر کارگزاران، وظیفه مهم شهروندان پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی است. در این جامعه می‌بایست حاکم از نقطه نظرات مردم در خصوص موضوعات مطلع باشد. قرآن کریم در این باره اکیداً تصریح و دلالت دارد: «مؤمنان، امورشان را براساس شورا انجام می‌دهند» (شوری: ۸)
- ۵- در جامعه مبتنی بر مردم سالاری دینی، حکومت باید رشد معنوی و پیشرفت مادی را همزمان در نظر داشته باشد. این مهم یکی از تمایزات و تفاوت‌های اصلی مردم سالاری دینی با الگوهای غربی است (اسحاقی، ۲۰۰۸: ۱۲-۷)

آنچه که ذکر شد صرفاً مواردی از بنیادی‌ترین اصول مردم سالاری دینی است. موضوع کارایی این روش حکومتی از دیگر مباحث بخش‌های پیش‌رو خواهد بود. بدیهی است معیار و شاخص سنجش کارآمدی یک شیوه حکومتی، قابلیت برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف و میزان دستیابی به آنها در واقعیت جامعه است. در بخش بعد علاوه بر کندوکاوی در کارایی مردم سالاری دینی، راه‌های تقویت و تعمیق آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قدرت نرم مردم سالاری دینی: جامعه هدف و مخاطبین

نخستین مرحله از بحث پیرامون جامعه هدف مردم سالاری دینی و جلب نظر مخاطبین، مرحله «تأثیرگذاری» می‌باشد. پر واضح است که تناسب میان فرهنگ عمومی و پذیرش سیاسی دارای اهمیت خاصی است. «قانع کردن مردم به اقبال و قبول مردم سالاری دینی به‌عنوان نظامی مطلوب (که خود با مشروعیت زایی نیز مرتبط است) مسئله محوری را شکل می‌دهد. زمانی که مردم سالاری دینی به‌مثابه یک منبع کلیدی قدرت نرم محسوب می‌شود دو گروه از جامعه هدف تعریف می‌شود. یکی مردم داخل کشور و دیگری افکار عمومی بیرون و نخبگان خارجی. یقیناً مقبول افتادن یک نظام در خارج از کشور، اثر مهمی در تثبیت و ارتقاء مشروعیت آن دارد. در منظومه فکری مردم سالاری دینی بهره‌مندی مخاطب از خودآگاهی سیاسی مطلوب، اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. از همین‌رو در ابتدا مؤلفه‌های نظام سیاسی مورد پسند مخاطب را شناسایی و سپس عناصر خود را به او عرضه می‌کند. در اینجا، عنصر فرهنگی مردم سالاری دینی جلوه و جلب توجه می‌کند. لذا خصایصی تبلیغ می‌شود که بیشترین جاذبه را در مخاطب پدید آورد (مصباح یزدی، ۲۰۰۰: ۱۳۲). که نمونه بارز آن را می‌توان در جذابیت فوق‌العاده موضوع رعایت حقوق بشر برای مخاطب در شرایط فعلی دنیا مثال زد. دفاع از حقوق اقلیت‌ها و آزادی مذهبی در جامعه، مهم‌ترین مؤلفه تبلیغی در وضعیت کنونی است. همان‌گونه که نظام‌های غربی از این مبحث در راستای اشاعه نظام‌های سیاسی خود بهره‌برداری می‌کنند. از نظر مقبولیت و حمایت داخلی نیز تحقق اهداف وعده داده شده بیشترین تأثیر را در مخاطب دارد. نتیجه طبیعی این دو، بازخورد مثبت و نهایتاً افزایش مشروعیت خواهد بود.

۴- مردم سالاری دینی: شاخص‌ها و پایه‌های اثرگذار

ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحلیل این بخش می‌بایست در نظر گرفته شود. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ابعاد منطقه‌ای در همسایگی کشورهای است که نظام‌های اقتدارگرا بر آن حاکمند. مردمی که در زندگی سیاسی خود مشارکت تعیین‌کننده را تجربه و احساس می‌کنند نمی‌توانند عناصر اقتدارگرا را بپذیرند. از همین‌رو می‌توان یک موقعیت ژئو فرهنگی مهم را برای ایران در میان بازیگران منطقه‌ای اقتدارگرا ترسیم نمود. بعد از وقوع موج‌گذاری در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال‌های اخیر و ایجاد چالش‌های جدی برای نظام‌های سیاسی اقتدارگرا این مهم برجستگی مضاعفی یافت. اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در وضعیت جدید با تشویق و کم به این موج‌گذاری، دوچندان شده است. به‌خصوص که بیداری اسلامی از جمله پایه‌های اساسی این دوره به‌شمار می‌رود (زمانی، ۲۰۱۴: ۲۹). ابعاد فرامنطقه‌ای این حمایت نیز حائز اهمیت است. مخالفت ایران با رژیم‌های اقتدارگرا، سیاست‌های دشمنان اروپایی و امریکایی را در توجیه سیاست‌های خود برای دشمنی با ایران در درون مشکل می‌سازد. زیرا که افکار عمومی و نخبگان این کشورها به وضوح مخالفت ایران به‌عنوان یک نظام دموکراتیک را با رژیم‌های اقتدارگرا مشاهده و درک می‌کنند.

در یک نگاه کلان، شاخص‌ها و پایه‌های مردم سالاری دینی به‌ویژه موارد مرتبط با حوزه فرهنگ بر مخاطبان برون مرزی و افکار عمومی دنیا عبارت است از:

۱- متأثر ساختن پروسه‌گذار در خاورمیانه و شمال آفریقا که البته با توجه به اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی فراوان ایران و کشورهای درگیر، پیامدهای وسیع‌تر و عمیق‌تری به همراه دارد. روشن است هر نظام جدیدی که در این کشورها روی کار آید ناچار است ابعاد فرهنگ اسلامی و دینی را لحاظ نماید (زمانی، ۸۵).

۲- توسعه مناسبات با غرب. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی مردمی به رسمیت شناخته شده است این موضوع می‌تواند حداقل به‌طور نمادین میزان مقبولیت آن را در میان نظام‌ها و فرهنگ‌های سیاسی مشارکت طلبانه افزایش دهد. علاوه بر آن زمینه را برای تأثیر فرهنگی در روابط بین‌الملل نیز فراهم می‌آورد.

۳- تأثیرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان غرب. بدیهی است در این عرصه نقش رسانه‌های برون مرزی به‌ویژه در انعکاس فرآیندهای دموکراتیک در کشور از قبیل مناظرات انتخاباتی و برگزاری انتخابات بدون حاشیه پررنگ می‌باشد.

از جنبه داخلی هم شاخص‌های اثربخشی مردم سالاری دینی حائز اهمیت است. چرا که با فراهم ساختن فرآیند تأیید و تثبیت مشروعیت نظام و همچنین ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت جویانه، نتایج زیر را در بردارد:

۱- تقویت همبستگی ملی از طریق تأکید بر عناصر مشترک مردمی به‌خصوص دین و سرزمین. ایران را می‌بایست به‌مثابه یک کشور یکپارچه و نه صرفاً یک محدوده جغرافیایی در اذهان تداعی کرد. از این رهگذر، می‌توان همگنی و پیوستگی موجود در درون جامعه را به سان یک دستاورد اساسی و سرمایه بی‌بدیل برای نظام اسلامی در فرآیند قدرت نرم به‌صورت بهینه مورد استفاده قرار داد.

۲- گسترش مشارکت سیاسی: انتخابات و دیگر مظاهر فرآیندهای سیاسی که شامل حضور و مشارکت اقلیت‌های دینی نیز می‌شود یکی از راهکارهای نیل به این هدف است. چنان‌که از بدو انقلاب با رفراندوم نظام جمهوری اسلامی و تاکنون (تجدید در هر دو سال یکبار) قدرت مردم سالاری دینی با حس مشارکت همگانی همراه بوده است. این واقعیت به نوبه خود برجسته‌ترین بُعد فرهنگ سیاسی یک ملت محسوب می‌گردد.

۳- تقویت نهادهای مدنی: اصل ۲۶ قانون اساسی، آزادی احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی را به رسمیت شناخته است.

مردم سالاری دینی: عملکرد و کارایی

در هر نظام سیاسی، عملکرد گذشته و نیز کارایی حال و آینده حکومت همواره مورد توجه بوده است. فرآیند دستیابی به اهداف در قالب کارنامه و عملکرد حکومت تعریف می‌شود. میزان توانمندی و ظرفیت نیل به مقاصد نیز در چارچوب کارایی تبیین می‌گردد. موفقیت در ابعاد عینی و عملی برای تحقق اهداف و برنامه‌های خود و نیز اهتمام به وضعیت مادی و معنوی شهروندان از جنبه‌های بارز این مسئله است. نتایج و پیامدهای

قابل مشاهده نهادهای اجتماعی که از درون ساختار بیرون می‌آید و متأثر از آن است مفهوم کلی کارکرد حکومت را بیان می‌کند (فکوری، ۲۰۱۰: ۱۸). در مردم سالاری دینی نسبت به سایر نظام‌های سیاسی معاصر، کارآمدی از جایگاه خاصی برخوردار است. زیرا که این نظام مدعی است در مقابل نظام‌های لیبرال دموکراسی به‌مثابه یک بدیل، رقیب و حریف ابراز وجود کرده است. از همین‌رو کارآمدی آن در ظهور این حکومت به‌عنوان یک قدرت نرم بسیار اثرگذار است. اصطلاح کارآیی در فرهنگ علوم سیاسی به اثربخشی، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است (آقابخشی، ۲۰۰۰: ۴۴۶). به‌طور خلاصه می‌توان کارآیی را چنین تعریف کرد: «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع». در مردم سالاری دینی، اهدافی که دنبال می‌شود عبارت است از: ایجاد امنیت، استقرار عدالت، تأمین رفاه عمومی، احیای حق، امحاء باطل و مناسبات صحیح بین حکومت و مردم. بدیهی است که نیل به اهداف نیز نسبی بوده و هیچ‌گاه یک نظام سیاسی امکان دستیابی به مقاصد خود را به‌طور کامل و مطلق به‌دست نیاورده است.

الف) کارآیی سیاسی مردم سالاری دینی

مردم هر کشوری کارآیی نظام سیاسی خود را با شاخص‌های گوناگونی ارزیابی و تأیید می‌کنند. از جمله این شاخص‌ها مشروعیت است. بی‌تردید نمونه بارز معیارهای تأیید مردمی در کارآیی نظام سیاسی همانا انتخابات و مشارکت شهروندان در آن است. در جمهوری اسلامی ایران چنین سازوکارهایی پیش‌بینی و بارها پیاده گردیده است. در هر دو سال یک‌بار فرآیند انتخابات در کشورمان صورت می‌پذیرد. به‌عبارت دیگر: «کارآیی بالای نظام = کسب مشروعیت = کارآیی بالای نظام» که تسلسل و زنجیره روشنی را به نمایش می‌گذارد. در جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ مردم از اقتدارپذیری با سابقه عدم تجربه سیاسی ملی به مشارکت جویانه تغییر یافته و نخستین هدف نظام سیاسی جدید تاکنون محقق و به مرور نهادینه شده است (نوروزی، ۲۰۱۴: ۱۷۶).

فراهم ساختن بستر و شرایط مناسب برای ایفای نقش مردم در فرآیند سیاسی کشور یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی است. اولین نتیجه این واقعیت، رأی‌گیری برای قانون اساسی و تأیید ۹۸/۲ درصدی آن به‌وسیله مردم بود که حاکی از نزدیکی نظام جدید به ایده‌آل ذهنی جامعه است. عمده مناصب سیاسی و همه مسئولیت‌های اجرایی کشور از طریق انتخابات تعیین تکلیف می‌شوند. مردم کشورمان در مقایسه با کشورهای دموکراتیک، مشارکت چشمگیری در انتخابات دارند که خود بیانگر حمایت گسترده از نظام مردم سالاری دینی است. جدول (۱) و (۲) میزان مشارکت مردمی را در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد. پشتیبانی پیوسته مردم از نظام مردم سالاری دینی در ایران آن‌گاه اهمیت می‌شود که این میزان از مشارکت شهروندان با نظام‌های لیبرال دموکرات مقایسه شود (جدول ۳). ضمن این‌که در پاره‌ای از کشورها مانند ایتالیا و استرالیا شرکت در انتخابات اجباری است و درصد بالای مشارکت نیز معلول وجود همین قانون است.

جدول ۱: درصد مشارکت مردم در انتخابات ادوار ریاست جمهوری

دوره	رئیس جمهور منتخب	درصد مشارکت
اول	ابوالحسن بنی‌صدر	۶۷/۸۶
دوم	محمدعلی رجایی	۶۲/۲۴
سوم	سیدعلی خامنه‌ای	۷۴/۲۶
چهارم	سید علی خامنه‌ای	۵۴/۷۸
پنجم	اکبر هاشمی رفسنجانی	۵۴/۵۶
ششم	اکبر هاشمی رفسنجانی	۵۰/۶۶
هفتم	سید محمد خاتمی	۷۶/۶۶
هشتم	سید محمد خاتمی	۶۷/۷۷
نهم / اول	-----	۶۲/۶۶
دوم / نهم	محمود احمدی نژاد	۵۶/۸۲
دهم	محمود احمدی نژاد	۸۵
یازدهم	حسن روحانی	۷۲/۸
دوازدهم	حسن روحانی	۷۳/۷

منبع: (سایت خبرگزاری فارس)

جدول ۲: درصد مشارکت مردم در انتخابات ادوار مجلس شورای اسلامی

دوره مجلس	درصد مشارکت
اول	۵۲
دوم	۶۴
سوم	۶۰
چهارم	۵۸
پنجم	۷۱
ششم	۶۹
هفتم	۵۱
هشتم	۵۱
نهم	۶۴
دهم	۶۲

منبع: (سایت خبرگزاری فارس)

جدول ۳: مقایسه درصد مشارکت مردم در برخی کشورها با ایران

ردیف	کشور	سال	درصد مشارکت	نوع انتخابات
۱	فرانسه	۲۰۱۷	۷۱	ریاست جمهوری
۲	آمریکا	۲۰۱۶	۵۵	ریاست جمهوری
۳	کانادا	۲۰۱۵	۶۱/۸۰	پارلمانی
۴	آلمان	۲۰۱۷	۶۷/۲۵	پارلمانی
۵	ایتالیا	۲۰۱۸	۷۴/۱۱	پارلمانی
۶	انگلستان	۲۰۱۶	۶۳/۲۴	پارلمانی

منبع: (سایت خبرگزاری مشرق)

با وجود آن که در هر دو سال یکبار انتخابات با مشارکت گسترده مردم انجام می‌شود رسانه‌های بیگانه به صورت هدفمند و متعمدانه، جمهوری اسلامی ایران را در نزد مخاطبان خود به دیکتاتوری متهم می‌کنند. القائنات غیرواقعی و خبرپراکنی‌های عناد آلود این رسانه‌ها که عمدتاً به مخالفان جمهوری اسلامی وابسته هستند ناشی از مفروض انگاشتن لیبرال دموکراسی غرب و نقد غیرمنصفانه در این چارچوب است. فرهنگ تکثرگرایی سیاسی نیز علاوه بر انتخابات در مردم سالاری دینی به وضوح قابل درک و مشاهده است. لازمه وجود این ویژگی مهم در جامعه اسلامی، نداشتن عناد و عدم محاربه با نظام مستقر است که در قانون اساسی صراحتاً ذکر گردیده است. تردیدی نیست که یکی از پایه‌های تبلیغاتی احزاب غیراسلامی، مخالفت با ارزش‌های دینی می‌باشد. در صورتی که حراست از دین و تعمیق ارزش‌های اسلامی در جامعه یکی از تأکیدات و تصریحات قانون اساسی در نظام مردم سالاری دینی است (فیرحی، ۲۰۱۱: ۶۷).

متفکران لیبرال دموکراسی هم خود به این نکته اساسی اعتراف دارند. اینان تساهل در لیبرال دموکراسی را با احزابی که مخالف تساهل و ضد ارزش‌های لیبرال دموکراتیک هستند غیرممکن می‌دانند (پوپر، ۱۹۹۸: ۱۳۹).

با همه موانع و چالش‌هایی که از بیرون افکنده می‌شود برگزاری انتخابات و انعکاس آن در خارج از مرزهای ملی موجب خنثی‌سازی اتهام دیکتاتوری می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری در دو دوره اخیر و تبریک رؤسای کشورها به رئیس جمهور منتخب و نیز حضور در مراسم تحلیف مصداق تأثیر مثبت این اهرم است. واقعیت‌های فوق در درون خود به نوعی اذعان به پذیرش و مشروعیت نظام مردم سالاری و به رسمیت شناختن سازوکار انتخابات در چنین نظامی است. موضوع مهم دیگر در انتخابات دو دوره اخیر بی‌حاشیه بودن آن و حضور نامزدهای مختلف بود. توجه مردم سالاری دینی به امنیت داخلی و خارجی مردم از دیگر ابعاد کارایی آن است. بر کسی پوشیده نیست که از آغاز تأسیس جمهوری اسلامی تاکنون هجمه‌ها و توطئه‌ها- جنگ تحمیلی، خیانت‌های منافقین و عناصر معاند داخلی- از سوی کشورهای دشمن همواره ثبات نظام سیاسی مستقر را مورد هدف قرار داده است. در عین حال، این نظام به شهادت و دلالت

واقعیت‌های غیرقابل انکار یکی از باثبات‌ترین نظام‌های سیاسی به‌ویژه در خاورمیانه است و این در حالی است که دیکتاتور بودن هر نظامی خود تهدیدی برای مردم آن است.

ب) کارایی فرهنگی مردم سالاری دینی

فرهنگ عمومی هر جامعه‌ای با نظام سیاسی خود به‌مثابه یک فرهنگ سیاسی تعامل و ارتباط مستقیم دارد. چنانچه پذیرش اقتدارگرایی، فرهنگ عمومی حاکم بر مردم باشد فرهنگ سیاسی موجود هم حالتی تبعی و انفعالی به خود می‌گیرد و در نتیجه نظام سیاسی حاصل از آن نیز اقتدارگرا خواهد بود. روشن است که در این چرخه هر کدام مقوم دیگری می‌شود. فرهنگ سیاسی و فرهنگ عمومی، دو نماد نظام سیاسی در صورت‌های جزئی و کلی آن است. نمونه آن را می‌توان در پذیرش تساهل عقاید گوناگون از سوی فرهنگ عمومی در جوامع لیبرال دموکرات یافت (آلموند، ۲۰۱۲: ۸۵).

پرواضح است که هر نظام سیاسی به منظور حفظ و تقویت حاکمیت و مشروعیت خود به فرهنگ سیاسی خاصی احتیاج دارد تا با بهره‌گیری از فرهنگ عمومی مردم ثبات خود را تأمین سازد. فرآیند جمعی تاریخ زندگی یک ملت، قلمرو ذهنی سازمان یافته‌ای را درباره سیاست در هر نظام سیاسی به‌وجود می‌آورد که با ساخت‌یابی و معنابخشی، نهادهای متناسب را ایجاد کرده و مسیر جامعه‌پذیری را هدایت می‌کند. هدف اولیه انقلاب ایران، تشکیل نظام اسلامی مبتنی بر تاریخ ملت با رویکردی فرهنگی بود. از همین‌رو موفق به تأسیس نظام مردم سالار برپایه آموزه‌های دینی شد. اندک تأملی در این واقعیت می‌تواند تفاوت کارکرد فرهنگی نظام اسلامی را با نظام استبدادی آشکار کند. اطاعت‌پذیری، هم‌رنگی با جماعت، سلطه‌پذیری، بی‌اعتمادی و ضعف وجدان ملی از محصولات و نتایج نظام استبدادی است. در صورتی که نظام اسلامی، ابعاد و پیامدهای فرهنگی استبداد را به کلی متحول نمود (میری، ۲۰۱۱: ۳). آن‌گاه که این آثار و نتایج، سیاست خارجی ایران را در روابط با کشورهای دیگر و جنبش‌های آزادی‌بخش تحت تأثیر خود قرار داد بُعد فرهنگی مردم سالاری دینی به مراتب روشن‌تر و عمیق‌تر نمایان گردید. اگر مبارزه با استکبار و سلطه و نیز حمایت از مظلوم را عناصر فرهنگی یک ملت بر شماریم همه آنها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متبلور است. اولویت فرهنگی سیاست خارجی ایران در اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی مطرح گردیده است. اصل ۱۵۴ اشعار می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. از این‌رو بدون دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از دنیا حمایت می‌کند» (ازغندی، ۲۰۱۰: ۲۷). با این وصف، تردیدی نیست که مهم‌ترین تأثیرگذاری مردم سالاری دینی به‌عنوان یکی از ابعاد قدرت نرم، جنبه فرهنگی آن است. از آنجا که ایران با کشورهای هم‌جوار خود قرابت‌های فرهنگی بیشتری و در نتیجه تأثیرگذاری افزون‌تری می‌باشد بُعد فرهنگی نظام سیاسی برای «همسایگی» اهمیت بالاتری قائل است.

اسلامی بودن به‌عنوان فرهنگ دینی مشترک، عامل اصلی در توسعه و تعمیق ارتباط ایران با همسایگان می‌باشد. اما از آنجا که در این کشورها اقتدارگرایی، نظامی‌گرایی و فرهنگ سیاسی انقیاد حاکم است، نظام

سیاسی متفاوتی از فرهنگ مشترک به وجود آمده است. از طرفی اصلی‌ترین پیامد انقلاب اسلامی، اثرات فرهنگی آن در جامعه استبدادزده و انقیادپذیر ایران بود که این مهم خود، بستر مشارکت سیاسی (یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی) را فراهم ساخت (امینی، ۲۰۱۱: ۱۱). از همین‌رو ایران ظرفیت مناسبی برای الگوبخشی موفق به کشورهای همسایه است. دیگر پیامد فرهنگی و ارمغان مردم سالاری در ایران، مشارکت سیاسی زنان بود. آن هم در شرایطی که عمده همسایگان فاقد این مؤلفه هستند. دگرگونی در باورهای سیاسی شهروندان از دیگر تغییرات فرهنگی قلمداد می‌شود. چرا که بخشی از فرهنگ عمومی یک جامعه را باورها شکل می‌دهند. بر اساس آنچه که گذشت کارآیی فرهنگی نظام مردم سالاری دینی از سایر کارکردهای آن حیاتی‌تر است. زیرا که اثرات و نتایج فرهنگی سیال بوده و می‌تواند فراتر از مرزها بر افکار عمومی همسایگان و حتی کشورها فرامنطقه تأثیر بگذارد. بی‌شک در این شرایط، تبلیغات اهمیت مضاعفی می‌یابد. چنان‌که بیشترین نقش در پذیرش لیبرال دموکراسی غربی از آن رسانه می‌باشد. این موضوع برای نظام اسلامی ایران نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. از سال ۲۰۱۰ کشورهای عربی با پدیده‌ای به نام بهار عربی یا بیداری اسلامی مواجه شدند که خود زمینه‌ای برای اقبال به نظام مردم سالاری دینی در این کشورها به‌شمار می‌رود. به خصوص آن‌که تمام این کشورها از یک فرهنگ دینی مشترک برخوردارند. علاوه بر آن، مشارکت سیاسی در قدرت، مطالبه مورد اتفاق ملت‌ها در این کشورهاست. برآیند ترکیب این دو مقوله، استقرار نظامی است که هم از بُعد اسلامی بهره‌مند است و هم جنبه مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت در آن به چشم می‌خورد. کارآمدترین الگو برای دگرگونی در فرهنگ سیاسی عمومی این کشورها همانا مردم سالاری دینی است که جذابیت لازم را برای ایجاد یک قدرت نرم در این جوامع دارا می‌باشد.

ج) کارآیی امنیتی مردم سالاری دینی

ثبات و امنیت هر کشوری در گرو عمل سیاسی آن است. حکومتی که دارای ساختارهای اقتدارگرایانه باشد نمی‌تواند ثبات و امنیت جامعه خود را در داخل یا در محیط بین‌المللی تأمین نماید. وجود چنین نظام‌های سیاسی بسته‌ای در غرب آسیا و شمال آفریقا موجب شکل‌گیری تحولات بیداری اسلامی و خیزش عمومی مردم علیه زمامداران شد. بدیهی است که نمی‌توان برای بی‌ثباتی و ناامنی، علت واحدی را در نظر گرفت و آن را صرفاً ناشی از ساختارهای اقتدارگرا دانست. تجربه تاریخی و واقعیات موجود نشان داده است که نظام‌های سیاسی بسته و اقتدارگرا در تأمین این کارکرد خود با موانع و مشکلات اساسی روبه‌رو هستند. در آن دسته از نظام‌های سیاسی که مردم نقشی در تعیین سرنوشت خود ندارند نسبت به نظام‌های مردم سالار، ظرفیت و زمینه بروز انواع خشونت و از جمله تروریسم به مراتب بیشتر و بالاتر است. بررسی‌های میدانی و شواهد موجود حاکی است از ۱۴۱ کشور در جهان، در ۱۰ کشور دارای نظام اقتدارگرا شاخص امنیت و ثبات دولت پایین است (جدول ۴).

جدول ۴: شاخص ناامنی و تضعیف دولت در کشورهای اقتدارگرا

رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره
۱	سومالی	۱/۳۷	۶	نیپال	۲/۹۴
۲	افغانستان	۰	۷	آنگولا	۵/۳۲
۳	کنگو	۰/۲۸	۸	هاییتی	۵/۲۱
۴	عراق	۱/۶۳	۹	زیمبابوه	۶/۸۱
۵	سودان	۱/۴۶	۱۰	کره شمالی	۷/۲۸

منبع: (سایت شاخص ضعف دولت در کشورهای در حال توسعه)

در جدول فوق رابطه میان نظام‌های اقتدارگرا و کاهش امنیت آشکار می‌گردد. از آنجا که در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا از حس مشارکت سیاسی عملاً خبری نیست زمینه برای خرده گروه گرایان و خشونت طلبان شدیداً آماده بوده و در نتیجه ساختار مرجعیت و اقتدار با تزلزل مواجه است (روزنا، ۲۰۰۷: ۱۲۵).

به علت وجود ساختارهای پادشاهی اقتدارگرا در دوره دوم پهلوی، ایران دارای ضریب امنیتی متزلزلی بود. شواهد این مدعا را می‌توان در اعتراضات ضد رژیم، کودتا و ترورها از سوی مردم به دست آورد. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار مردم سالاری دینی، بستر مشارکت سیاسی همه اقوام حتی برای انتخاب عالی‌ترین مقام کشور فراهم گردید. چرخش نرم قدرت و جابجایی مسالمت‌آمیز مناصب از ویژگی‌های نظام‌های مردم سالار است. در این نظام انتخابات، مهم‌ترین سازوکار و ابزار برای انتقال قدرت محسوب می‌شود. از همین رو گرایش به تروریسم و اعمال خشونت در ایران شدیداً کم‌رنگ است. گفته می‌شود جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای در حال توسعه، رتبه ۲۸ را در وجود اقدامات تروریستی دارد. براساس داده مورد اشاره، عراق بالاترین رتبه به خود اختصاص داده است (سایت شاخص تروریسم جهانی).

یکی از مهم‌ترین عناصر و اصلی‌ترین عوامل در کسب، تداوم و تقویت مشروعیت یک نظام همین ضریب امنیتی بالا می‌باشد. مقابله با عملیات روانی دشمن ضد کشور نیز از دیگر کارکردهای امنیتی نظام قلمداد می‌شود. با وجود این، غرب همواره تلاش دارد تا با تعریف خود، نظام مردم سالاری دینی را اقتدارگرا معرفی کند. یکی از راه‌های ممانعت از نفوذ و الگوبخشی نظام مردم سالاری دینی در کشورهای مسلمان، تبلیغ نظام سکولار ترکیه به‌عنوان بدیلی برای کشورهای مسلمان همسایه از سوی ایالات متحده آمریکاست. چنان‌که در تحولات بیداری اسلامی نیز چندان گرایشی برای روی کارآمدن احزاب اسلام‌گرا به چشم نمی‌خورد.

(د) کارآیی اقتصادی - اجتماعی مردم سالاری دینی

تقویت سرمایه و افزایش ثروت کشور و نیز تأمین و ارتقاء سطح رفاه ملت نخستین موضوع در اقتصاد است. در قانون اساسی نیز به‌صورت ضمنی یا آشکار به این مهم اشاره رفته است. اصل سوم، فصل اول بند ۵ بر طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تأکید کرده است. مقام معظم رهبری در راستای مقابله

با رویکرد خصمانه نظام بین‌الملل نسبت به جمهوری اسلامی و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد نفت محور کشور، راهبرد «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردند. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به منظور در امان ماندن از نوسانات منفی جهانی، اولویت این برنامه به‌شمار می‌رود. اقتصاد، فرهنگ و علم از نگاه رهبری سه عنصر اساسی در اقتدار ملی در نظر گرفته می‌شود. اقتصاد مقاومتی با اتکاء بر مردم در مسیر عدالت حداکثری حرکت می‌کند (بیانات رهبری، ۲۰۱۴). دست‌یابی به عدالت به‌مثابه یکی از آرمان‌های انقلاب و نظام مردم سالاری دینی در فرآیند اقتصاد مورد اهتمام جدی است. پیروی از اصل: «نه شرقی نه غربی» به عکس سیاست‌های رژیم پهلوی همواره مدنظر و رفتار عملی نظام مردم سالاری دینی بوده و از این‌رو برای محدود ساختن دامنه نفوذ غرب در اقتصاد ایران گام برداشته است. پرواضح است اتخاذ این سیاست هیچ‌گاه به معنای نفی و طرد سرمایه‌گذاری خارجی و یا رد بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین نبوده و نیست. بلکه صرفاً در جهت ممانعت از سلطه غرب در حوزه اقتصاد و به دنبال آن رسوخ در سایر بخش‌ها می‌باشد. یکی از پیامدها و نتایج مثبت این رویکرد، سیر نزولی بدهی‌های خارجی ایران از اوایل سال ۲۰۰۴ تاکنون (نسبت به سال‌های گذشته) می‌باشد. در سال ۲۰۰۰ میزان بدهی‌های خارجی کشور ۲۲ درصد بوده است که این میزان در سال ۲۰۱۵ به ۱۵ درصد و در سال ۲۰۱۸ به ۱۴ درصد رسیده است. گفته می‌شود حجم سرمایه‌گذاری نیز به ۳۵ درصد افزایش یافته است (سایت شاخص جهانی اقتصاد ایران).

این آمارها در شرایطی محقق شده است که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های غرب بوده و همچنان هست. اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه مقام معظم رهبری برای اجرای آن بیانگر این واقعیت است که ساختار مردم سالاری دینی، اقتصاد را منحصر و محدود به دولت نکرده و همواره به دنبال جذب و مشارکت‌دهی سرمایه‌های خصوصی به بدنه بالای اقتصاد از قبیل صنایع سنگین و بانک‌ها می‌باشد. یکی دیگر از حوزه‌های کارایی نظام مردم سالاری دینی، عرصه اجتماعی است که در آن بر مؤلفه‌های مشترک هویت‌های گوناگون به منظور انسجام و یکپارچگی ملی تأکید می‌شود. بی‌تردید عنصر مذهب موجب دوام و قوام همبستگی عمومی و کاهش فرقه‌گرایی در ایران بوده است. از همین رهگذر، مذهب در جایگاه یک حوزه از جامعه مدنی عمل کرده و در پی کنترل و جهت‌بخشی به دولت بوده است. نظام مردم سالاری دینی در کارایی اجتماعی خود دو عنصر اسلامی و ایرانی را مورد توجه قرار می‌دهد تا از طریق آن هم هویت اسلامی و هم ملی را عمق بخشد. جامعه ایران به علت تنوع، تکثر و گوناگونی، نیازمند هویتی با صفت اسلامی و ملی است تا بتواند با دربرگرفتن همه هویت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی این سرزمین، عملکرد موفق و کارسازی داشته باشد. آنچه که می‌تواند یک هویت ملی جامع را با چنین ویژگی‌هایی بیافریند جدیت نظام اسلامی در وضع شرایط عادلانه و برقراری روابط احترام آمیز و به رسمیت شناختن لایه‌های فرهنگی و اجتماعی و حقوق سیاسی و شهروندی اقوام مختلف می‌باشد (مالکی، ۲۰۱۳: ۵).

با در نظر گرفتن این واقعیت، جمهوری اسلامی توانسته است با وجود تکثر در اقوام و مذاهب، از یکپارچگی مستحکم ملی برخوردار باشد. برخلاف ساختار جوامع لیبرال دموکراسی غرب که برخی از شهروندان را از هویت انسان غربی خود طرد و نفی می‌کند.

توجه به خرده گروه‌گرایی و اهمیت دادن به آنها در قالب ملت ایران یکی دیگر از کارآیی‌های اجتماعی مردم سالاری می‌باشد. در این حوزه، ضمن حفظ مرجعیت و اقتدار مرکزی حاکمیت جایگاه و اثرگذاری گروه‌ها در یکپارچگی کشور از رهگذر مشارکت در صحنه‌های اجتماعی فعال‌تر شده است. این در حالی است که در زمان پهلوی به جای خرده گروه‌های تاریخی و اصیل، مجموعه‌ای از خرده گروه‌های جعلی و ابزاری ایجاد می‌شدند. در نگرش مردم سالاری دینی نسبت به این حوزه از اجتماع، رفتار تعامل‌گرایانه غیر انحصاری جایگزین برخورد سیاست‌غیریت‌سازی پهلوی شده است. نتیجه موفق و ثمره غیرقابل انکار این رویکرد نظام، همانا کاهش بحران‌های اجتماعی به خصوص در عرصه امنیت است (مقصودی، ۲۰۱۲: ۸۹). در رژیم سابق با هدف استمرار حیات حکومت، تحلیل نیروهای مؤثر جامعه و نیز منحرف ساختن اذهان مردم از ضعف‌های سیستم به سمت دشمن تراشی، سیاست رودررو قراردادن طبقات (روحانی در مقابل دانشگاهی و روستایی در برابر شهری) به کار گرفته می‌شد.

جنبه‌های نوآوری و یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که اشاره رفت با دگرگونی در عناصر و مؤلفه‌های قدرت و پدید آمدن یک بُعد نوین و عرصه تازه از این مفهوم تحت عنوان قدرت نرم، مردم سالاری دینی به‌مثابه یکی از ارکان اساسی موضوع، از نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام و دوام قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. با این وصف می‌توان نگاهی نو به پدیده مردم سالاری دینی انداخت و با باز تعریف نظری و بازتولید ساختاری قدرت در جمهوری اسلامی ایران، پنجره‌های جدیدی را از قدرت حال و آینده گشود. به‌طور کلی با در نظر گرفتن دو پایه اصلی پژوهش یعنی «مردم سالاری دینی» و «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» می‌توان ابعاد نوآورانه و یافته‌های حاصل از تحقیق را این‌چنین برشمرد:

- ۱- تبیین سناریوهای احتمالی آینده در عرصه جنگ‌نرم تحمیلی از سوی غرب و کیفیت مواجهه جمهوری اسلامی ایران با هدف مصونیت و موفقیت در آن.
- ۲- تبیین جایگاه پدیده مردم سالاری دینی در منظومه قدرت جمهوری اسلامی ایران و افق آینده مفهوم قدرت در کشور.
- ۳- بررسی رابطه مستقیم میزان مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت بر تضعیف یا تقویت قدرت و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- بررسی سرمایه‌های راهبردی و داشته‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در عرصه قدرت نرم با هدف گسترش و تعمیق حوزه نفوذ منطقه‌ای و الگوسازی و الهام‌بخشی به سایر کنشگران و بازیگران منطقه‌ای.

نتیجه گیری

حوزه فرهنگ اصلی ترین عرصه ظهور و بروز کارایی نظام مردم سالاری دینی است. به تعبیر مقام معظم رهبری، فرهنگ برای جامعه به سان «هوا برای تنفس» می باشد. در قدرت نرم نیز مهم ترین مؤلفه، «فرهنگ» است. نظام سیاسی مستقر در کشور، اهداف و مقاصد ویژه ای را تعقیب می کند. با فرض عدم تحقق اهداف مدنظر، امکان دارد ناکارآمدی نظام موجود به دین منتسب شود که البته در این صورت الگوی مشروعیت بخش نظام از سوی مردم چه در داخل و چه در خارج با چالش جدی مواجه خواهد شد. در قدرت نرم، دستیابی به نفوذ عمدتاً بر فرهنگ تمرکز دارد و از همین رو زمانی طولانی را می طلبد. از هنگام استقرار مردم سالاری دینی، نفوذ مورد اشاره از قبل تحولات درونی جامعه ایرانی و نیز کنش های خارج از مرزها حاصل گردیده است.

بی تردید نخستین عنصر قدرت نرم ایران برای اثرگذاری بر تحولات موسوم به بیداری اسلامی، نظام سیاسی کشور است. از آنجا که این تحولات در کشورهایی رخ داده و یا در حال وقوع است که پیشینه مردم سالاری نداشته ولی از سابقه و بستر تمدنی برخوردار می باشد می توان برای عبور از «پیچ تاریخی در تمدن بشری» در پرتو همین مؤلفه در قدرت نرم، الهام بخش واقع شد.

در نظام لیبرال دموکراسی دو بُعد متمایز یعنی «اخلاق و فرهنگ» وجود دارد. چرا که نظام های غیردولتی تنها از طریق ملاحظات و محاسبات مادی کارایی نظام مورد سنجش قرار می گیرد. در حالی که در مردم سالاری دینی، کارکرد معنوی - ارتقای کرامت بشری - در رفتار سازمانی و تعامل حکومت با شهروندان مطرح است. حفظ پایه های اعتقادی و بنیان های فکری افراد در مردم سالاری دینی بر هر امر دیگری رجحان دارد. پرواضح است که آسیب شناسی این ساختار به منظور الگومندسازی این نظام سیاسی و اثربخشی آن بر مخاطب و رفع نواقص و عیوب آن ضروری می باشد. اتخاذ چنین رویکردی برای مردم سالاری دینی مشروعیت و نفوذ فزاینده ای را هم در داخل و هم در خارج به ارمغان خواهد آورد. در این راستا توجه به دو راهکار ضروری به نظر می رسد. یکی پرداختن به یک گفتمان فرامرزی و دیگری ایجاد یک خرد رسانه ای برای مخاطب. پوشیده نیست که رسانه های غربی با فضای مسموم و شومی که در جوامع اسلامی به وجود آورده اند امکان معرفی و عرضه مردم سالاری دینی به مثابه نظامی فراتر از شیعه یا سنی بودن را تا حد زیادی با مشکل روبرو ساخته اند. در حقیقت تمام تلاش این رسانه ها همانا انحراف اذهان مخاطبان و تحریف واقعیت ها به منظور ممانعت از الهام پذیری و الگوگیری افکار عمومی از این پدیده نوین است. چنان که در تحولات بیداری اسلامی نیز کوشش کردند تا در بدترین شرایط این جنبش ها را صرفاً ناشی از شبکه های اجتماعی القاء کنند و نه حرکتی از درون جامعه برای نیل به نظام سیاسی مطلوب.

References

- Almond and Powell (2002). *A theoretical framework for comparative policy*. Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Public Management Training Center. (In Persian)
- Amini, Ali Akbar and Khosravi Muhammad Ali (2010). "The Impact of Political Culture on the Political Participation of Women and Students". *Quarterly Journal of Political Studies*. No: 7, serial no. 2. (In Persian)
- Azghandi, Alireza (2010). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Qoms Publishing. 5. Ishaqi, Hussein (2008), "Principles and Characteristics of Religious Democracy". *Islamic Revolution*, 4-9. (In Persian)
- Castells, Manuel (2011). *The power of communication*. Translated by Hossein Basirian Jahromi, Tehran: Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Chalmers, Alman (1998). *What is science?*, Translated by Mohammad Mashayekhi, Tehran: Anteshar Co. (In Persian)
- Darvish, Mohammad Reza (2013). "Religious Democracy or the Democracy of Religious People", Tehran: *Reflection of Thought*, Vol. 37. (In Persian)
- Deci, A.L (2007). *New Concept of Soft Power*, London: Guilford press.
- Dehghani Firoozabadi (2011). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Position. (In Persian)
- Fakuri, Muhammad Musa (2010). "Religious Democracy, Efficiency and Effectiveness". *Ambassador*, Q4, Sh. (In Persian)
- Farihi, Dawood (2011). *Religion and Government in the Modern Age*, Vol. 2, Tehran: A New Occurrence. (In Persian)
- Farihi, Dawood (2012). *History of government developments in Islam*. Edition 5, Qom: Mofid University of Qom Publications. (In Persian)
- Haji Sadeghi, Abdullah (Bita). "Religious democracy in the life of the Holy Prophet (PBUH)." *Message Quarterly*, p.79. (In Persian)
- Harsij, Hosseini (2011). "Analysis of the characteristics, principles and components of soft power of the Islamic Republic of Iran", *Soft Power Studies*. (In Persian)
- Hinds, Barry (2001). *Speeches of Power from Hobbes to Foucault*. Translated by Mostafa Younesi, Tehran: Shirazeh Publications. (In Persian)
- <http://farsi.khamenei.ir/news - contend?id=1049> (accessed on: 25/dec/2013) (In Persian)
- <http://WWW.brooking.edu/research/reports/2008/02/weak-states-index> (accessed on: 12/ No/2015).
- <http://WWW.indexmundi.com/iran/#Economy>.
- http://WWW.indexmundi.com/iran/oil_proved_reserves.html (accessed on 15/dec/2013).
- http://WWW.visison of humanity.org/sites/default/files/Global%20 Terrorism %20 Index %20 Report 202014_o.pdf
- Imam Khomeini (1999). *Sahifa Imam*. Volumes 17 and 18, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- In the Friday school (1995). *Islamic Information and Documentation Center*. Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)

- Izadi, Hojjatullah (2008). "Fundamentals of soft power in the Islamic Republic of Iran". *Basij Studies*, Q11, p4. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (2008). *Velayat-e-Faqih: Velayat-e-Faqih and justice*. Seventh edition, Qom: Esra Publishing. (In Persian)
- Maliki, Asadullah (2013). "Analysis of the historical course of governments' attitudes toward the components of national identity in strengthening the unity and solidarity of Iranian ethnic groups". *National Studies Quarterly*, Volume 2, Issue 8. (In Persian)
- Maqsoodi, Mojtaba (2012). *Political and social developments in Iran 57-20*. Tehran: Rozaneh Publishing. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2000). *Political theory of Islam: statehood*. Qom: Imam Khomeini Research and Educational Institute. (In Persian)
- Miri, Sayed Ahmad (2011). "The effect of the structure of the political system and political culture of Iran with emphasis on the years 1953-1978", *Political and Economic Monthly*, Vol. 140. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1999). *Siri in Nahj al-Balaghah*, Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mr. Bakhshi, Ali (2000). *Culture of Political Science*, Tehran: Chapar. (In Persian)
- Naini, Ali Muhammad (2008). "The meaning and status of soft power in security studies". *Collection of articles in the Quarterly Journal of Psychiatric Operations*. (In Persian)
- Naini, Ali Muhammad (2012). *Principles and foundations of soft warfare*. Tehran: Saqi. (In Persian)
- Norouzi, Mohammad Javad (2007). *Explaining the Theory of Religious Democracy in Comparison with Western Democracy*. Qom: Imam Khomeini Research and Educational Institute. (In Persian)
- Nye, Joseph (2008). *Smart leadership and power*. Translated by Mohammad Reza Golshanpajoo, Tehran: Bina. (In Persian)
- Nye, Joseph (2011). *Soft power, tools for success in foreign policy*, translated by Seyed Mohsen Rouhani and Zolfaghari, Tehran: Imam Sadegh (AS) University. (In Persian)
- Nye, Joseph (2011). *The future of power*. Translated by Ahmad Azizi, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Popper, Carl (1988). *Lessons of this century*. Translated by Ali Paya, Tehran: New Design. (In Persian)
- Rosena, James (2007). *Chaos in world politics*. Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Rozaneh Publishing. (In Persian)
- Russell, Bertrand (1988). *The power*. Translated by Najaf Darya Bandari, Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Seifzadeh, Seyed Hossein (2010). *Principles of International Relations (a and b)*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Shabani, Qasim (2007). *Fundamental rights and the structure of government of the Islamic Republic of Iran*. Print 27. (In Persian)
- Sheikh Mufid, Muhammad ibn al-Nu'man (1991). *The sentence*. Sheikh Mufid Congress, Qom. (In Persian)
- WWW. Mashregnews.ir/fa/news/225434/d9/d8/aa (accessed on: 12/sep/2013). (In Persian)

-
- WWW.farsnews.com/newtext.php? nn=13960320000. (Accessed on: 12/sep/2013). (In Persian)
 - Zamani, Somayeh (2014). *Islamic Revolution and Islamic Awakening*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)